



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

چند مقدمه مهم از مقدمات بحث امر به معروف و نهی از منکر و تحلیل مربوط به آن را طرح و بررسی نموده، وارد مقدمه چهارم شدیم. در ادامه مطالبی در ارتباط با مباحث مقدمه چهارم و امور حسبيه ذکر خواهیم نمود؛ و بعد از بیان چند مقدمه دیگر وارد بحث اصلی امر به معروف و نهی از منکر خواهیم شد.

مقدمه پنجم؛ بررسی تفاوت‌های سه روش تربیتی

در مباحث فقه تربیت سه روش بسیار مهم و عام وجود دارد؛

۱. ارشاد جاهل؛

در مباحث قبل چند مبحث به شکل کاملاً مستوعب در ذیل قاعده ارشاد جاهل بحث شد.

۲. قاعده هدایت و تربیت؛

قاعده دوم قاعده‌ای است که به عنوان قاعده هدایت و تربیت نامیده شد.

تفاوت قاعده «ارشاد جاهل» و «هدایت و تربیت»

قاعده ارشاد جاهل مربوط به حوزه تعلیم است و بیان می‌کند که کسی که واجد علم و دانایی است نسبت به آموزش و آگاهی بخشی - به همراه قیود و شرایط خود-، در احکام الزامی و مسائل اعتقادی و اخلاقی مورد ابتلای دیگران، موظف است. قاعده هدایت و تربیت به این مسئله می‌پردازد که بعد از فراغت از آگاهی شخص، مأموریتی تزکیه‌ای و موعظه‌ای و هدایتی و تربیتی بر دوش افراد عالم نهاده شده است و او در قبال دیگران موظف است تا آنان را به سمت پابندی و التزام به اصول اعتقادی، اخلاقی و فقهی مورد نیازشان سوق داده، هدایت کند.

قاعده ارشاد جاهل سابقه بیشتری در فقه دارد، اما خیلی کمتر به آن پرداخته شده بود و در بحثی که انجام دادیم آن را بسط دادیم. قاعده هدایت و تربیت بعد از قاعده ارشاد جاهل قرار می‌گیرد و مربوط به حوزه تربیت به معنای خاص است و مفاد آن جهت دادن انسان‌ها به سمت رعایت و التزام قلبی و عملی به مقررات شرعی است. مراد از التزام قلبی، التزام در حوزه اعتقادات است و مراد از التزام عملی التزام در حوزه رفتارها و اعمال است. موضوع و محور قاعده «هدایت و تربیت» این بود که افراد بر فرض اینکه می‌دانند ممکن است انگیزه نداشته باشند، آمادگی عملی نداشته باشند، باید کاری کرد که این انگیزه و آمادگی را در آنها برای اجرا و التزام به این مسائل ایجاد کرد.



۳. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر زمانی باید اجرا شود که مثلاً مکلفی آشنا به احکام است و علیرغم آگاهی اقدام به معصیت کرده یا در آستانه اقدام است. - در ادامه درباره شرایط امر به معروف و نهی از منکر بحث خواهیم نمود.

تفاوت قاعده «امر به معروف و نهی از منکر» با قاعده «ارشاد جاهل»

تفاوت قاعده امر به معروف و نهی از منکر با قاعده اول این است که قاعده ارشاد جاهل مربوط به تعلیم و آگاهی دادن است اما قاعده امر به معروف و نهی از منکر مربوط به حوزه‌ها و ساحات غیر از علم و آگاهی است، به عبارت دیگر مفروض در این قاعده این است که فرد نسبت به عمل یا اعتقاد خود، علم و آگاهی دارد ولی به دلایلی مانند هوی و هوس و انگیزه‌های غیر الهی مبتلا شده است.

بنابراین اقدام به امر و نهی معالجه کردن جهل نیست بلکه معالجه گرایش‌ها و تمایلات و اقدامات غیر ناروا و غیر الهی است. این تفاوتی است که با ارشاد دارد. ارشاد جاهل جهل زدا و علم آور است، اما امر به معروف و نهی از منکر جهل زدا نیست، زیرا مفروض در این قاعده این است که فرد عالم است بلکه نوعی مبارزه با هوی و امیال شیطانی است، امر به معروف و نهی از منکر آنها را می‌زداید نه اینکه جهل را از بین ببرد. ارشاد جاهل جهل زدا و نسیان زدا و غفلت زدا بوده، و مرشد جایی که فرد آگاهی لازم را ندارد به او آگاهی می‌داد، اما در امر به معروف علم فرد مفروض است، و آمر و ناهی در مرتبه متأخر کار می‌کنند تا عوامل مزاحم با عمل واجب یا ترک معصیت را کنار بزنند.

تفاوت قاعده «امر به معروف و نهی از منکر» با قاعده «هدایت و تربیت»

اما فرق قاعده امر به معروف و نهی از منکر با قاعده هدایت و تربیت - به این شکل و نام در فقه ما موجود نبود، جوانه‌هایی از آن در فقه ما بود ولی با این نام و با این ترتیبات نبود. این است که مفروض قاعده هدایت این نیست که کسی در آستانه عمل خلاف است بلکه پیشاپیش این جوان یا نوجوان را جهت می‌دهد تا اعتقادات را پیدا کند و نظام رفتاری او بر دین منطبق شود؛ اما در امر به معروف و نهی از منکر مفروض این است که این فرد یا در حین ارتکاب معصیت است یا در آستانه ارتکاب خلاف است. این تفاوتی است که در اینجا دارد.

جمع‌بندی مقدمه پنجم

در مقدمه پنجم به بررسی انتظام سه قاعده و تفاوت آنها پرداختیم. سه قاعده روشی که در یک منظومه تربیتی قرار می‌گیرند.

سلسله‌مراتب روش‌های تربیتی

بنا بر آنچه بیان شد سلسله‌مراتبی در تربیت وجود دارد؛

۱. ارشاد جاهل.

۲. تربیت و تزکیه و هدایت در ساحات میل، انگیزه و گرایش و اراده.



۳. در صورتی که کسی در آستانه اقدام و انجام باشد، نوبت مرحله امر به معروف و نهی از منکر می‌رسد.

نسبت بین سه قاعده تربیتی

تفاوت قاعده سوم با قاعده اول تفاوتی کاملاً ماهوی و تباینی است، زیرا قاعده اول امر به آگاه کردن جاهل می‌کند. به عبارت دیگر قاعده امر به معروف و نهی از منکر با قاعده ارشاد جاهل هیچ انطباق مصداقی ندارد. نسبتشان هم تباین است.

شمول قاعده «هدایت و تربیت»

اما نسبت امر به معروف و نهی از منکر با قاعده هدایت نسبت عموم و خصوص مطلق است، زیرا قاعده هدایت بر وعظ و نصیحت و تغییر تمایلات شخص اطلاق داشت و اعم از این بود که کسی در آستانه معصیت یا ارتکاب معصیت باشد یا نباشد، به این دلیل که کسی که در آستانه معصیت و ارتکاب معصیت نیست، از الآن پدر می‌خواهد فرزند را به این سمت ببرد یا مربی دینی می‌خواهد جامعه را به سمت نظام اعتقادی و رفتاری دین سوق دهد، درحالی که اینها هنوز انسان‌های مرتکب خلاف بشو نیستند و آماده پذیرش آموزه‌های صحیح و دینی بوده، در صدد آستانه معصیت نیستند بلکه در روستا یا شهر یا کشوری در حال زندگی هستند و زمینه برای هدایت ایشان کاملاً مستعد است. قاعده هدایت و تربیت این‌ها را شامل می‌شود. اطلاقات آن شخص در آستانه معصیت یا در حین معصیت را هم شامل می‌شود؛ بنابراین قاعده هدایت و تربیت در حد اعلا دلالت بر این دارد که مربی تنظیماتی انجام دهد تا متری میل و انگیزه خود را اصلاح کند ولی حداقل الزامی آن این است که فرد در عمل به سمت رعایت برود؛ اما مراتب استجابی و رجحانی نیز دارد، هم در ارشاد هم در هدایت هم در امر به معروف، که در آنها هم تغییرات تمایلاتی مطلوب است.

البته بین هدایت و تربیت با همان شکلی که در آن امر و فرمان نیست و امر و فرمان، مخیر است. این هم از نکته‌های جدیدی است که بعد خواهیم گفت. حضرت امام رحمه‌الله به این موضوع اشاره کرده‌اند، ما قائل به نوعی تأخیر هستیم که بعدها این را تفصیل خواهیم داد و بحث خواهیم کرد. این هم نکته دقیقی است که باز تکرار می‌کنم.

خلاصه مقدمه پنجم

پس در اینجا اولاً گفتیم این سه قاعده در یک منظومه مسلسل‌وار قرار می‌گیرند. ثانیاً جایگاه این قواعد را تبیین کردیم و ثالثاً بر اساس آن فرق این‌ها را ذکر کردیم که فرق‌ها این‌طور شد که قاعده دو و سه یعنی هدایت و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر یک تفاوت کلی با قاعده اول دارند، با این بیان که اولی مربوط به حوزه ذهن و معرفت و شناخت و علم است و جهل زدایی است؛ اما دو قاعده بعدی مربوط به تغییر تمایلات و انگیزه‌ها و اصلاح نظام رفتاری و اعتقادی است بر اساس تغییر در تمایلات و انگیزه‌ها و اراده‌ها. این دو در مقوله تربیت به معنای خاص است ولی آن در مقوله تعلیم است و لذا تفاوت سه و یک و مجموعه دو و سه با یک، تفاوت تباینی است چون اولی تعلیم است و آن دو تربیت به معنای خاص است، گرچه همه در حوزه تربیت به معنای عام قرار دارند، اما تفاوت دو و سه تفاوت در اشتراکشان در حوزه تمایلات و تربیت به معنای خاص است. تفاوتشان در این به نحو مطلق است. هدایت و تربیت در همه موارد است، اما امر به معروف و نهی از منکر در مواردی است که در آستانه یا در حین ارتکاب عمل خلاف است و لذا بین این دو عموم و خصوص مطلق می‌شود. همین‌طور معلوم شد در جایی که ماده اجتماع است. یک ماده افتراق دارد، آنجایی که افراد سالمی هستند که مقاومتی ندارند، در حین ارتکاب نیستند، در آستانه نیستند، باید آنها را جهت داد. اول ارشاد کرد و بعد جهت داد و انگیزه در آنها



ایجاد کرد، با تبشیر با انذار با موعظه با نصیحت و با بیانات مختلفی که در ادله قاعده دوم بود، اما در ماده اجتماع این دو دلیل جمع هستند و چون یک فروعی در اینجا وجود دارد که از نظر اصولی بعدها توضیح خواهیم داد، نتیجه آن جمع تخییر می شود؛ اما آیا ترتبی هم بین این تخییر وجود دارد یا نه بعد عرض می کنیم.

مقدمه ششم؛ امر به معروف و نهی از منکر روشی تربیتی

مقدمه ششم این است که آیا امر به معروف و نهی از منکر یک روش و اصل است؟

عناصر تشکیل دهنده یک بحث

مستحضر هستید که در تعلیم و تربیت چهار عنصر وجود دارد و این عناصر در یک منظومه به هم گره خورده اند، یعنی نظام تربیتی متشکل از این چهار پایه و عنصر است. این چهار عنصر عبارت اند از؛

۱. مبانی بحث
۲. اهداف و اغراض و غایات بحث.
۳. اصول موجود در بحث.
۴. روش ها موجود در بحث

مراد از «مبانی»

در تفاوت این ها به طور دقیق و کامل وارد نشویم، آنچه که در اینجا به آن می پردازیم مبانی بحث است و به اجمال باید گفت مبانی هر بحثی شامل قضایا و گزاره های توصیفی پایه آن بحث است، و در بحث فقه التریبیه مبانی شامل آن گزاره های توصیفی پایه ای است که تعلیم و تربیت و اخلاق را به سمتی هدایت می کنند، مثل مبانی خیلی عامه مانند توحید، تا یک مبانی خیلی خاصه مانند انسان شناسی. به هر حال مبانی یعنی گزاره های توصیفی در حوزه نگرش انسان به هستی و جهان، به خدا، به انسان، به جامعه و ارزش ها و چیزهایی از این قبیل. گزاره های توصیفی که مبنای تعلیم و تربیت است و بسیاری از آنها مبنای اخلاق و نظامات مختلف اسلامی و دینی است. منتها این مبانی گاهی ناظر به هستی است به طور عام، گاهی ناظر به خداست، گاهی ناظر به انسان است، گاهی ناظر به جامعه است، گاهی ناظر به نظام ارزشی است.

مراد از «اهداف و غایات»

اهداف آن غایاتی است که بر اساس آن مبانی استخراج می شود، بر اساس جهان بینی و انسان شناسی و معرفت شناسی و ارزش شناسی که در مبانی تعریف می شود، بر اساس خروجی آن گزاره ها یک هدف گذاری در زندگی بشر انجام می شود. این هدف گذاری از یک طرف در مبانی فلسفی ریشه دارد و از یک طرف در مبانی دینی، از یک طرف هم در مبانی علمی یعنی گزاره هایی که درباره انسان و حیات و ... علم و دانش به انسان می دهد. بر اساس آن مبانی اهدافی تصویر می شود. اهداف آن غایات تصویر شده است که سلسله مراتب دارد، از غایت الغایات گرفته که در غالب مکاتیب یک غایت الغایاتی وجود دارد تا اهداف متوسط و قریب و را شامل می شود.



مراد از «اصل» و «روش»

بعد از این دو که پایه‌های اصلی هستند می‌رسیم به اصول و روش‌ها. - یک فرق اساسی که عرض ماست و متفاوت با بعضی از انظار دیگر تعلیم تربیت است، یک جاهایی هم در جلسه‌هایی خدمت دوستان عرض کردم. «اصول» قواعد عامه‌ای است که به نوعی عناوین انتزاعی حاکم بر روش‌ها است و «روش‌ها» فعالیت‌های عملیاتی است که فرد را به طرف اهداف سوق می‌دهد.

«روش» از مقوله عمل و اقدام و فعل است درحالی که اصول از قبیل حالات و اطوار و چگونگی این افعال می‌باشد. این عرض خاصی است که در فلسفه تعلیم و تربیت ما داریم، این یک مقداری با نگاهی که بعضی از متفکرین ایرانی دارند متفاوت است گرچه شاید با آن چه در متفکرین غربی است خیلی متفاوت نباشد ولی حرف، حرف دقیقی است که این هم در جاهای دیگر گفته شده است و خیلی نمی‌خواهم این را بسط دهم فقط در حدی که بتوانیم در اینجا نتیجه بگیریم می‌خواهم عرض کنم. - مثال می‌زنم؛ تشویق کردن و یا تهدید کردن یک فرد، یک عمل است، تهدید و تشویقی که نسبت به فردی انجام می‌شود تا او را انذار و تخویف، انذار و تبشیر یا تشویق و تنبیه کند، - البته اینها ضمن اینکه باهم مشارکت دارند، تفاوت دارند. این را در جای خودش گفتیم. - این‌ها اعمالی است که فرد را به سمت هدف سوق می‌دهد. روش عملی میان وضع موجود و وضع مطلوب است؛ به عبارت دیگر «روش» فعالیتی است که از مری صادر می‌شود تا استعداد متربی را شکوفا کند و او را به سمت آن فعالیتی که غایت و هدف است سوق دهد. ولی همین جا بیان می‌شود که عمل انذار و تخویف یا هر عمل دیگری که روش تربیتی است، باید به نحو تدریجی انجام شود، تدریج یک عمل در کنار اعمال دیگر نیست، بلکه تدریج یک ویژگی حاکم و عارض بر عمل است.

بنا بر آنچه گفته شد «اصول» یعنی حالاتی که بر رفتار عملیاتی عارض می‌شوند. اگر بخواهیم تشبیه کنیم یعنی استعاره کنیم از یک اصطلاح فلسفی، «روش» معقول اول و فعل ماهوی خارجی است؛ اما «اصل» از قبیل معقولات ثانیه و مفاهیم انتزاعی است که ما به ازای خارجی ندارد بلکه نحوه وجود عمل است، شکل و چگونگی وجود عمل است مثل تدریج.

ما اصول را به این شکل تعریف می‌کنیم؛ قواعد عامه‌ای که حالات و اطوار و کیفیت روش‌ها را مشخص می‌کند. می‌تواند در روش‌های گوناگون هم جریان پیدا کند مانند اصل تدریج یا اصل رعایت ظرفیت متربی. این دو عمل خاص نیستند، رعایت ظرفیت یا تدریج یک کیفیت است که عارض بر سطح روش می‌شود، اما روش همان اعمالی است که از مری صادر می‌شود و متربی را به سمت هدف سوق می‌دهد و لذا آن عمل ما به ازای خارجی دارد و مؤثر در حرکت متربی به سمت غایات است، اما اصول قواعد انتزاعی و عامه است که کیفیت روش‌ها را مشخص می‌کند.

- فعلاً ما در این تصویر چهار ضلع و مبانی و اهداف و اصول و روش‌ها و تفاوت‌هایش خیلی نمی‌خواهیم بسط سخن دهیم و آمادگی نداریم که راجع به این بحث کنیم چون بحث‌های دقیقی است که در جای خودش گفته شده است، و در چاپ جدید تا حدی توضیح داده شده است. عرض ما با بعضی از مسائلی که دیگران می‌گویند تفاوت‌هایی دارد. حال به بحث خودمان گردیم. -

چرایی روش بودن امر به معروف و نهی از منکر

با این بیانی که گفته شد، معلوم شد که ارشاد و هدایت و همین‌طور امر به معروف و نهی از منکر، «روش» تربیتی هستند. این نتیجه بحث شد، زیرا امر به معروف یک عملی است که از مکلف و مری به معنای عام صادر می‌شود.



گاهی ممکن است کسی بگوید این‌ها اصول، به معنای خاص تعلیم و تربیت هستند. نه ارشاد، هدایت، و امر به معروف و نهی از منکر. سه شاه کلید مهم فقهی ما، سه شاه کلید روشی تربیت هستند. با واژگان تربیتی بحث می‌کنیم. بله؛ می‌توان گفت که با اصطلاحات فقهی و اصولی، این‌ها یک قاعده‌اند. یا اصل به معنای قاعده هستند، ولی این‌ها، اصل به معنای خاص تربیتی نامیده نمی‌شوند.

مقدمه هفتم؛ بررسی امر به معروف و نهی از منکر به عنوان روش

در مقدمه هفتم چند مطلب را در خصوص امر به معروف و نهی از منکر بیان خواهیم نمود.

یک. امر به معروف و نهی از منکر؛ روش تربیتی

که یکی روش است که معلوم است هدف و مبنا نیست ولی اصل هم نیست، این روش است.

دو. امر به معروف و نهی از منکر روش عام تربیتی

نکته بعدی این است که روش امر به معروف و نهی از منکر یک روش خیلی عام است.

تقسیم‌بندی روش‌ها

همان طور که در تعریف روش‌ها گفتیم روش‌هایی وجود دارند که حالت فرد دارند یعنی عمل خاصی که در این‌جا انجام می‌شود تا روشی که حالت صنفی دارد و یا حالت نوعی و جنسی دارد، مثلاً تنبیه یک عنوان جنسی روشی است که صدها مصداق و نوع در آن می‌گنجد یا تشویق یک مفهوم روشی جنسی است که یک نوع تشویق پولی است، یک نوع تشویق اعتباری است. این‌ها انواع داخل تحت این جنس‌اند، یا اصناف داخل تحت این نوع‌اند. ولی بعضی از روش‌ها مانند زدن، روش یک صنف یا نوع خاص است ولی تنبیه که می‌گویید این جنس آن است؛ و لذا در روش‌ها سلسله‌مراتبی از فرد و صنف و نوع و جنس تصویر می‌شود. مثلاً زدن با شلاق این یک صنف زدن است و زدن، نوع آن و تنبیه، جنس آن است. البته فقط می‌خواهیم بگوییم سلسله‌مراتب دارد و الا جنس و نوع و این‌ها را به معنای منطقی نمی‌خواهیم بگوییم. می‌خواهیم بگوییم منظور ما از روش، یک فعل خاص موردی نیست؛ بلکه ممکن است عنوان یک روش، عنوانی باشد که صد نوع روش ریزتر در ذیل آن قرار بگیرد؛ بنابراین خود امر به معروف و نهی از منکر، یک روش خیلی عام است.